

رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی

دکتر جمال بیگی، الناز کتانچی

هر چند ارتکاب جنایات بین‌المللی، به ویژه تعرضات جنسی به صورت گسترده باعث ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی گردیده است. لیکن اسناد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری موقت در زمینه جبران خسارت معنوی، تمهیدات چندانی اتخاذ نکرده و غیر از استرداد اموال موجود، تدبیر دیگری نیاندیشیده بودند. نتیجه حاصل از این نوشتار ما را بر این امر رهنمون می‌سازد که دیوان بین‌المللی کیفری در راستای اتخاذ رویکردی هماهنگ با تحولات نیمه دوم قرن بیستم در توجه به حقوق بزه‌دیدگان، جایگاهی را به آنان اعطا نموده که پیش‌تر، در هیچ یک از دادگاه‌های بین‌المللی کیفری تجربه نشده بود. بزه‌دیدگان اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، طبق ماده ۶۸ اساسنامه رم و بر طبق قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات در دیوان کیفری بین‌المللی می‌توانند در فرایند رسیدگی دیوان به طور شخصی و یا از طریق نماینده حقوقی، مشارکت جسته و خواستار جبران خسارت شوند. به ویژه جبران خسارت معنوی که به شیوه بهره‌مندی از حمایت‌های پزشکی، روانپزشکی و اجتماعی - اقتصادی در جهت رفع نیازهای کوتاه مدت و اضطراری، بلند مدت و بازسازی روند عادی زندگی می‌تواند صورت گیرد. بنابراین این مقاله می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیلی حمایت از قربانیان تعرضات جنسی و شیوه‌های جبران خسارت معنوی وارده بر آنها را در پرتو قواعد و مقررات اساسنامه رم مورد نقد و بررسی قرار دهد.

کلید واژگان: خسارت معنوی، قربانیان تعرضات جنسی، دیوان بین‌المللی کیفری،

سیاست بین‌المللی.

رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی

جمال بیگی *

الناز کتانچی **

دیباچه

هتک حرمت افراد، بدترین پیامد جنگ برای آنان به شمار می‌رود که اثرهای روانی، جسمانی و داغ اجتماعی آن تا آخر عمر با آنان باقی می‌ماند. در طول تاریخ، از میان افراد درگیر در جنگ یا حتی آنان که در صحنه مخاصمه حضور نداشته‌اند، زنان بوده‌اند که همواره جزء قربانیان خشونت جنسی سربازان قرار داشته‌اند. این امر گاهی به صورت اتفاقی و موردی هنگام اشغال نظامی توسط سربازان در مورد اهالی منطقه اشغالی یا درباره اسیران صورت گرفته است و گاهی به صورت نظام‌مند و به عنوان یک ابزار و روش جنگی

*. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

** باسگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران
e.katanchi20@gmail.com

و به منظور پاکسازی قومی و تغییر نسل صورت پذیرفته است.^۱ در بیشتر درگیری‌ها که در جهان صورت می‌گیرد، خشونت جنسی علیه زنان، مردان و کودکان ارتکاب می‌یابد. گزارش‌ها حاکی از آن است که در جنگ جهانی اول در اروپا از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ عمل شنیع تعرض جنسی به وقوع پیوسته است. در آسیا و اروپا در طول سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ در جنگ جهانی دوم نیز این امر غیر انسانی وجود داشته و در کشور سوریه از سال ۲۰۱۱ تاکنون، در عراق از سال ۲۰۱۱ تا کنون و در سودان جنوبی از ۲۰۱۳ تاکنون تعرضات جنسی همچنان علیه گروه‌های انسانی ادامه دارد.^۲

از ویژگی‌های بازار حقوق کیفری مدرن، اثرپذیری آن از حقوق بشر است. حقوق بشر، بخشی ویژه از حقوق است که هر شخص، به این دلیل که فردی از افراد بشر است، از آن بهره‌مند می‌شود. در سطح جهانی به منظور تضمین و ترویج دستاوردهای حقوق بشری در قلمرو دادرسی کیفری تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. تحقق عدالت کیفری در گرو تدوین، عرضه و رعایت دقیق قوانین شکلی است^۳ و حمایت‌های حقوقی نیز معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری مورد شناسایی قرار می‌گیرند. حق به معنای امتیاز و استحقاق ویژه‌ای است که فرد نسبت به برخی از چیزها داراست^۴ و در این معنا می‌توان از اعمال و اجرای حقوق سخن گفت. بدین ترتیب، حمایت حقوقی، پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان در فرایند جنایی است.

از دیدگاه سستی، حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از حقوق است که روابط بین دولت‌ها را تنظیم می‌کند و دربردارنده نظامی از قواعد و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل است.^۵ در مورد حقوق مخاصمات مسلحانه نیز وضعیت به همین منوال است. در طول سده‌ها، خسارت‌های وارده به افراد غیرنظامی در جریان یک مخاصمه، در بهترین حالت از طریق پرداخت غرامت‌های جنگی به دولت متبوع آن‌ها، با فرض این که دولت نماینده اتباع خود است، جبران می‌شد.^۶ از مفاد ماده ۷۵ اساسنامه و قواعد اشاره شده در قواعد دیوان، چنین بر می‌آید که شروع رسیدگی برای تعیین نحوه جبران خسارت یا توسط خود بزه‌دیدگان (وفق ماده ۹۴ قواعد) و یا راساً توسط شعبه بدوی (وفق بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه و ماده ۹۵ قواعد) به عمل خواهد آمد. در رسیدگی مذکور می‌توان ساز و کارهایی را برای مساعدت به

دیوان در خصوص تعیین و ابراز نظرات خویش مورد توجه قرار داد. شعبه بدوی می‌تواند در خصوص تعیین ضرر و زیان یا صدمه‌های وارده، کارشناسی را استخدام و پیشنهادهای وی را در مورد انواع روش‌های مناسب جبران خسارت مورد استفاده قرار دهد. جالب توجه است که بند ۲ ماده ۹۷ قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان مقرر می‌دارد: «دیوان در صورت اقتضاء از بزه‌دیدگان یا نماینده قانونی‌شان و شخص و دول مربوط برای ابراز نظر نسبت به گزارش کارشناس دعوت به عمل خواهد آورد».^۷

با این همه، اسناد دیوان و به ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، امکان اعطای غرامت به بزه‌دیدگان را پیش‌بینی می‌کند. طبق ماده ۷۵ اساسنامه: «۱- دادگاه اصول حاکم بر شیوه‌های جبران خسارت قربانیان یا ذوی‌الحقوق آن‌ها را، مانند اعاده وضع به حالت سابق، پرداخت غرامت یا اعاده حیثیت تهیه می‌کند. بر این مبنا، دادگاه می‌تواند با درخواست یا به تشخیص خود در شرایط استثنایی، میزان خسارت، آسیب یا زیانی را که به بزه‌دیدگان یا ذوی‌الحقوق ایشان وارد آمده است، با مشخص کردن اصولی که رای دادگاه بر آن‌ها استوار است، در رای خود معین کند. ۲- دادگاه می‌تواند حکمی را علیه یک شخص صادر کند و در آن میزان خسارتی را که لازم است به بزه‌دیدگان یا ذوی‌الحقوق آن‌ها پرداخت گردد، مشخص نماید، این جبران خسارت می‌تواند، به ویژه به شکل اعاده وضع به حالت سابق، پرداخت غرامت یا اعاده حیثیت باشد. در صورت مقتضی، دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که غرامتی که به عنوان جبران خسارت تعیین شده، از محل صندوق مذکور در ماده ۷۶ پرداخت شود».

ماده ۷۵ پیشرفت فوق‌العاده‌ای محسوب می‌گردد. چرا که نه فقط جبران خسارت مادی، بلکه اعاده وضع به حالت سابق و اعاده حیثیت را نیز پیش‌بینی می‌کند. به علاوه، این امر در صلاحیت خود دادگاه است که خسارت قابل جبران را ارزیابی نماید، حتی بدون این که درخواست مشخصی تنظیم شده باشد. ممکن است متهم به پرداخت غرامت محکوم گردد، اما دادگاه نیز می‌تواند غرامت را از محل صندوقی که وجوه آن از طریق جزای نقدی، هم چنین با فروش اموال ضبط شده یا موضوع تامین و با پرداخت‌های داوطلبانه تکمیل می‌شود،پردازد.^۸ دولت‌های عضو معاهده نه تنها ملزم به اجرای حکم دادگاه مبنی بر

توقیف اموال شخص محکوم به پرداخت ضرر و زیان هستند، بلکه هم چنین موظفند به منظور تعیین محل نگهداری این اموال با دادگاه همکاری نمایند.^۹ متأسفانه، اساسنامه برای همدستان مجروحین یا کسانی که به آن‌ها دستور ارتکاب جنایت را داده‌اند و ممکن است اشخاص حقوقی یا حتی دولت‌ها باشند محکومیتی پیش‌بینی نمی‌کند. این در حالی است که پیش‌نویس اصلی، چنین امکانی را در نظر گرفته بود و برخی دولت‌ها، مانند اکثر سازمان‌های دولتی، از آن حمایت می‌کردند. با وجود این، یک رای دادگاه بین‌المللی کیفری که برخوردار از اعتبار امر مختومه باشد، دولت‌ها را متعهد نموده و می‌تواند هر گاه حقوق داخلی اجازه دهد، مبنای اقامه دعوی علیه اشخاص ثالث (به ویژه نزد یک دادگاه مدنی) قرار گیرد.^{۱۰}

بنابراین پژوهش پیش رو، با نگاهی بر دیوان بین‌المللی کیفری و جایگاه بزه‌دیده در عدالت جنایی بین‌المللی به دنبال تبیین و بررسی حقوق بزه دیدگان (به ویژه حق جبران خسارت معنوی) برای آن‌ها می‌باشد.

۱. جنایت خشونت جنسی

اسناد بین‌المللی متعددی خشونت جنسی را گاه به عنوان یکی از اشکال خشونت و گاه به عنوان یکی از مصادیق تبعیض علیه زنان مد نظر قرار داده‌اند.^{۱۱} برای اولین بار در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تجاوز به عنف، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی همسنگ با آن‌ها از نظر شدت در سندی بین‌المللی، هم جنایت علیه بشریت و هم جنایت جنگی تلقی شده‌اند.^{۱۲} جنایت خشونت جنسی می‌تواند امروزه تحت جنایت علیه بشریت مبتنی بر جنسیت مورد تعقیب قرار گرفته شود. سایر جنایات غیر اختصاصی خشونت جنسی هم چون جنایت علیه بشریت، شکنجه، بردگی و سایر اعمال غیرانسانی هم می‌توانند به عنوان مبنایی برای تعقیب جنایات خشونت جنسی به کار برده شوند. جنایات جنگی مشابه نیز مشمول جنایت خشونت جنسی می‌شوند. در جایی از سند اختصاصی جرایم نیز تجاوز به عنف و خشونت جنسی به عنوان نسل‌زدایی مورد شناسایی قرار گرفته است. ناگفته نماند که اعمالی چون

هرزه نگاری، روسپی‌گری و توریسم جنسی نیز از جمله جنایت‌هایی هستند که در فعالیت‌های مجرمانه منجر به تعرضات جنسی قابل بحث هستند.^{۱۳} به هر حال حکایت جنایت خشونت جنسی زمانی تلخ می‌شود که بدانیم آمار واقعی این دسته از جنایات، نامعلوم و پیشگیری از آن سخت و دشوار است.^{۱۴}

یکی از حقوق قابل اجرا در دیوان بین‌المللی کیفری، قواعد دادرسی و ادله است. در این قواعد در خصوص خشونت جنسی تصریح شده است که شهادت قربانی خشونت جنسی نیازی به تایید ندارد و رضایت در جایی که شرایط اجباری وجود دارد مطرح نمی‌گردد. ادله دال بر رفتارهای جنسی قبلی پذیرفته نمی‌گردد. حمایت از شهود و قربانیان،^{۱۵} شرکت آن‌ها^{۱۶} در دادرسی‌ها و جبران خسارت‌ها از مباحث دیگر قواعد ادله و دادرسی می‌باشد.

جبران خسارت سابقاً در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا مد نظر قرار نگرفته بود و می‌توان آن را موفقیتی بزرگ برای دیوان کیفری بین‌المللی و حقوق بین‌الملل کیفری مد نظر قرار داد. برای اولین بار، قربانیان می‌توانند در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی تقاضای جبران خسارت نمایند.^{۱۷} به علاوه، یک صندوق امانی برای قربانیان و خانواده‌هایشان ترتیب داده شده است. دیوان اقدامات حمایتی، ترتیبات امنیتی، مشاوره و سایر کمک‌های مناسب را برای شهود قربانیان و سایر کسانی که به واسطه ادای شهادت در خطر می‌باشند، ارائه نموده است. مقررات جداگانه‌ای نیز ناظر بر حمایت از قربانیان و شهود وجود دارد که اقداماتی را از جمله دادرسی‌هایی با دوربین یا مجوز ارایه مدارک به طرق الکترونیکی، حمایت از امنیت و رفاه جسمی و روحیه‌شان و منزلت و زندگی خصوصی قربانیان و شهود، در نظر گرفتن عواملی هم چون سن، جنسیت، سلامتی و ماهیت جنایت به ویژه زمانی که جنایت مشتمل بر خشونت جنسی یا جنسیتی باشد را شامل می‌شود.

۲. جبران خسارت قربانیان تعرضات جنسی

اساسنامه رم در یکی از مهم‌ترین رویکردهای خود امکان جبران خسارت بزه‌دیدگان را فراهم آورده است. هیچ یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین، اختیار

اعطای غرامت به بزه‌دیدگان را نداشتند. البته ماده ۷۵ اساسنامه که به موضوع جبران خسارت بزه‌دیدگان می‌پردازد، «دیوان را به دادگاهی حقوقی که دعاوی خصوصی اقامه شده توسط طرفین دعوا را فیصله می‌دهد، تبدیل نخواهد کرد. جبران خسارت در دیوان فقط زمانی مورد حکم واقع خواهد شد که حکم بر گناهکاری متهم صادر شده باشد. به عبارت دیگر، دعاوی خصوصی در دیوان، وابسته به محکومیت کیفری (مرتکب جرم) است».^{۱۸}

بند ۱ ماده ۷۵ «شدیداً مبهم است و معنای آن عمدتاً بستگی به تفسیر (قضایی) دیوان خواهد داشت. معنای این که دیوان قواعد کلی برای جبران خسارت مقرر خواهد کرد، چیست؟ مشخص نشده که در این جا آیا دیوان به معنای شعبه رسیدگی کننده در حدود صلاحیت قضایی خود است یا خود دیوان به طور کلی و به عنوان یک ارگان اداری که گونه‌ای از رهنمودهای اجرایی را برای جبران خسارت تصویب می‌کند، عمل خواهد کرد؟».^{۱۹} تاکنون هیچ گونه «قواعد کلی» در این خصوص تصویب نشده است. «در سال‌های اولیه شروع به کار دیوان، کمیته‌ای متشکل از قضات بر روی تهیه پیش نویس قواعد کلی کار کردند، اما این پروژه (نیمه کاره) رها شد. به نظر آن قضات بهتر بود این مساله به شعبه بدوی واگذار شود تا قواعد لازم را در مواقع لزوم و هنگام اخذ تصمیم در فرایند جبران خسارت توشیح کنند».^{۲۰}

عبارت «در ارتباط با بزه‌دیدگان» در بند اول بدین قصد تعبیه شده است که «پرداخت خسارت‌ها به خانواده‌ها و وراثت بزه‌دیدگان» را مد نظر قرار دهد. در این عرصه، دیوان ملزم به تشخیص این موضوع است که چه کسانی قرابت نزدیک با بزه‌دیدگان داشته‌اند تا استحقاق آنان (برای دریافت خسارت) احراز شود. لذا دیوان ممکن است به ناچار در عرصه‌های مرتبط با حقوق خصوصی، همانند حقوق ارث وارد شود. در این خصوص دیوان می‌تواند رژیم بین‌المللی با قابلیت اعمال جهانی را خلق کند و یا در عوض بر قوانین قابل اجرا در دولت مربوط تکیه کند. رویکرد دوم منجر به عدم تساوی قابل توجه و بعضاً بی‌عدالتی خواهد شد. زیرا قوانین مالکیت وارث در برخی کشورها، فرزندان طبیعی و همسران (در برخی شرایط خاص) و شرکای جنسی ازدواج نکرده را (از جمع وراثت) مستثنی می‌کنند».^{۲۱}

در بند دوم ماده ۷۵، بیان شده که دیوان در مواقع مقتضی، حکم به پرداخت خسارت از طریق صندوق امانی می‌دهد. صندوق امانی که یکی از شاخص‌های منحصر به فرد دیوان کیفری بین‌المللی است، با هدف تسهیل توزیع وجوهی که در نتیجه محکومیت یک متهم توسط دیوان تحصیل می‌شوند، تاسیس شده است.

واژه پردازی بند ۳ دارای ابهام است. «از یک طرف می‌گوید دیوان می‌تواند دعوت کند و از طرف دیگر می‌گوید اظهارات را مدنظر قرار خواهد داد. لذا این طور به نظر می‌رسد که دیوان از صلاحدید وسیع در تصمیم برای این که مستمع اظهارات طرفین باشد یا خیر، برخوردار است، اما به محض آن که اظهاراتی ارایه شد، ملزم است آن‌ها را مدنظر قرار دهد». نکته دیگری که از این ماده بر می‌آید، این است که «در عین این که بند ۵ وظیفه دولت‌ها را در ترتیب اثر دادن به آرای صادره طبق ماده ۷۵ مقرر می‌کند، بند ۶ اشعار می‌دارد که هیچ یک از موارد مذکور در این ماده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حقوق بزه‌دیدگان مقرر در حقوق داخلی و بین‌المللی لطمه وارد آورد»^{۲۲} بنابراین، حقوق مذکور برای بزه‌دیدگان محفوظ است.^{۲۳}

ساز و کارهای درخواست جبران خسارت در قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا مقرر شده است. این قواعد دو رویه متفاوت را مقرر می‌دارد: «مورد اول براساس درخواست اشخاص ذینفع و مورد دیگر متعاقب عمل به ابتکار دیوان».^{۲۴}

قاعده ۹۴ به رویه رسیدگی در خصوص مواردی می‌پردازد که بزه‌دیده از دیوان درخواست جبران خسارت می‌کند. اولین بند آن فهرستی از مواردی را که در هر درخواست جبران خسارت باید ذکر شود بر می‌شمرد. «شق (ج) بند ۱ در اساس به گونه‌ای طراحی شده که خواهان را ملزم به معرفی هویت شخص یا اشخاص مسئول صدمه، زیان یا آسیب می‌کرد (بدون این شناسایی، یافتن ارتباط بین ادعای مطروح و شخص متهم تحت تعقیب، برای دیوان سخت می‌شد)، اما سریعاً آشکار شد که بسیاری از بزه‌دیدگان قادر به شناسایی هویت مرتکب نیستند. به همین علت، شق (ج) بند ۱ مقرر مهمی دارد که براساس آن، خواهان باید تا حد ممکن هویت شخص یا اشخاص مسئول را معرفی کند».

قاعده ۹۵ از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا به گونه‌ای از جبران خسارت

می‌پردازد که براساس تصمیم دادگاه صورت می‌گیرد. در حین مذاکرات تصویب، «احساس تعدادی از هیات‌های نمایندگی این بود که برخی از بزه‌دیدگان به عنوان یک موضوع وجدانی، مایل نیستند از آن‌ها جبران خسارت شود. چرا که نمی‌خواهند به دید کسی که از خون بها نفع می‌برد، به آن‌ها نگریسته شود. بر عکس، برخی هیات‌ها معتقد بودند که دیوان نباید در آن چه در اساس، رویه رسیدگی به دعاوی خصوصی است ورود پیدا کند. اگر بزه‌دیدگان تصمیم بر عدم استیفای حق خود بگیرند، دیوان نباید در تعقیب ادعای خصوصی علیه اشخاص محکوم‌علیه وارد شود. در نهایت، گروه سومی هم اظهار داشتند که این رویه کاری برای دیوان که به ابتکار خود آن مرجع است، نباید در جهت صدمه به بزه دیده‌ای که تقاضای جبران خسارات خود را دیر تقدیم کرده، حرکت کند». به تمامی این دیدگاه‌های متعارض، در بند دوم پرداخته شده است. براساس شق (الف) بند ۲، بزه دیده‌ای که آگاه شده، دیوان براساس تصمیم خود عمل کرده و سپس درخواست انفرادی خود برای جبران خسارت را ارایه کند، به گونه‌ای متفاوت از بزه دیده‌ای که در حالت معمولی درخواست داده، با او رفتار نخواهد شد. به موجب شق (ب) بند ۲، اگر بزه‌دیده درخواست کند، دیوان دستور انفرادی برای او صادر نخواهد کرد. آن دسته از هیات‌های نمایندگی که نگران بودند دیوان در یک امر مربوط به حقوق خصوصی ورود پیدا خواهد کرد، قانع شدند که شق (ب) بند ۲ به گونه موثر به نگرانی آنان پرداخته است.

در حین تهیه و تصویب متن قاعده ۹۶ با عنوان (انتشار فرایند رسیدگی به جبران خسارت) به این معضل توجه شد که دیوان نمی‌تواند به تنهایی اظهارهای مطرح شده در این قاعده را فراهم سازد. قاعده ۹۷ با عنوان ارزیابی خسارات، «بدون توجه به نوع صدمه، تقویم آن را مد نظر قرار داده است».^{۲۵} براساس بند اول این قاعده، دیوان می‌تواند هم بر مبنای انفرادی، هم بر مبنای جمعی و هم بر هر دو مبنای، حکم به جبران خسارت دهد. نکته قابل توجه در این قاعده، توجه به حقوق محکوم‌علیه در کنار توجه به حقوق بزه‌دیدگان در تعیین خسارت‌های وارده است. لذا توجه به حقوق شخص محکوم‌علیه نیز ضروری بوده و «قضاوت یک طرفه نخواهد بود».^{۲۶}

بحث مهم دیگری که در مساله جبران خسارت قابل طرح است، ضبط اموال متهم است.

شق (ه) بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه به این موضوع می‌پردازد و قاعده ۹۹ از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا نیز مقررات شکلی ضبط اموال را تبیین می‌کند. بند اول این قاعده ظاهراً بیانیه‌ای بدیهی و آشکار است. نکته کلیدی برای درک این مقرر، اشاره به بزه‌دیدگانی است که تعهد کتبی به ارایه درخواست جبران خسارت داده‌اند. در فرایند تنظیم این قاعده پذیرفته شده بود که اگر وسیله‌ای برای حفظ دارایی‌های مظنون به ارتکاب جرم وجود نداشت، تمامی طرح پرداخت خسارت بی‌تاثیر می‌شد. لذا توانایی دیوان در اقدام عاجل در این خصوص ضروری می‌نمود. به همین علت، دیوان می‌تواند در مورد بزه‌دیده‌ای که قصد درخواست خود برای جبران خسارت را دارد، پیش از ارایه رسمی درخواست از جانب وی براساس قاعده ۹۷، اقدام لازم را انجام دهد. بزه‌دیدگان تنها در خصوص احکام صادر شده بر جبران خسارات، حق تجدیدنظر خواهی دارند. قاعده ۱۵۰ مقررات شکلی تجدید نظر خواهی بزه‌دیدگان را بیان داشته است. متعاقب ارایه درخواست تجدید نظر، شعبه تجدید نظر دیوان، دستور جبران خسارت صادره بر اساس ماده ۷۵ را ابرام، نقض یا اصلاح می‌کند. با وجود این، هیچ یک از دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، جبران خسارت قربانیان را به شکل مستقیم و از جانب دادگاه پیش‌بینی نکرده بوده‌اند. هر چند نخستین تلاش‌های بین‌المللی به منظور بهره‌گیری بزه‌دیدگان از جبران خسارت بر آمده از جنایت، در دادگاه اختصاصی رواندا صورت پذیرفت^{۳۷}، لیکن نتیجه‌ای به دست نداد. محاکم اختصاصی دستور یا قراری مبنی بر جبران خسارت‌های ناشی از جنایت‌ها صادر نمی‌کردند. بزه‌دیدگان در این محاکم، می‌بایست با استناد به محکومیت مرتکب در دادگاه اختصاصی، به دادگاه‌های ملی خود مراجعه نموده و منتظر تصمیم آن‌ها می‌ماندند.

۳. حقوق قربانیان تعرضات جنسی و شیوه‌های جبران خسارت معنوی وارد بر آن‌ها

قربانیان تعرضات جنسی در بعد خسارت‌های معنوی وارد بر آن‌ها، نیازمند می‌باشند که در اسناد چهارگانه دیوان و به ویژه اساسنامه آن، این نوع حمایت‌ها از نظر دور نمانده است. قربانیان تعرضات جنسی، غالباً دچار اضطراب، روان پریشی و اختلالات هیجانی - خلقی

می‌شوند و خاطره شدید آزار دهنده از تجسم و تداعی صحنه‌های تجاوز، اغلب در دوره‌های بعد زندگی به صورت اختلالات روحی، کابوس، تشنج عصبی، بی‌خوابی، بی‌زاری از آمیزش جنسی، احساس حقارت و خود تقصیری خودنمایی می‌کنند.^{۲۸}

از این رو اگر بگوییم بیشترین و ماندگارترین آسیب و صدمه خشونت در تعرضات جنسی به روح و روان قربانی وارد می‌شود، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.^{۲۹} به همین منظور ضمن اشاره به این نوع حمایت‌ها، در ادامه به حق جبران خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی و شیوه‌های جبران این نوع خسارت‌های وارده بر آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. حقوق قربانیان تعرضات جنسی

حق بهره‌مندی از حمایت‌های روانی، عاطفی، حیثیتی و حمایت اجتماعی از جمله مهمترین حقوق قربانیان تعرضات جنسی هستند که در قواعد و مقررات دیوان پیش بینی شده است که به اختصار هر یک از این گونه‌های حمایتی را تبیین می‌نماییم.

۳-۱-۱. حق بهره‌مندی از حمایت‌های روانی، عاطفی و حیثیتی

روشن است که هر جرمی گذشته از خسارت‌های مادی، آزرده‌گی خاطر بزه‌دیده را به همراه دارد. این آزرده‌گی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص بر می‌خیزد و در جرم‌های مختلف بازتاب روانی نوعی نارسایی یا اختلال و به سخن دیگر، گونه‌ای از بیماری است که در روان فرد پدید می‌آید و روان عبارت است از «مجموعه قوای ذهنی معطوف به هوش، حافظه و عاطفه که استعداد و کیفیت رفتاری شخص را مشخص کند».^{۳۰}

تفکیک موضوعی میان درد و رنج‌های عاطفی و آسیب روانی از دیدگاه جبران خسارت این پیامد را به دنبال دارد که جبران درد و رنج‌های عاطفی به دلیل برآورد ناپذیری مالی، مطلق و نیز مادی نبوده و مبنای آن‌ها از مبنای جبران خسارت‌های مادی جدا می‌شود. در حالی که آسیب‌های روانی، چه به شکل هزینه‌های درمان پزشکی و چه به شکل یک حکم جبران خسارت، از نظر مالی برآورد پذیراند. البته، نباید ناگفته گذاشت که در نوشتگان

بزه‌دیده‌شناسی، به تمایز دقیق این دو مفهوم پرداخته نشده است. این موضوع سبب شده تا دلیل ناشناخته ماندن مفهوم درد و رنج‌های عاطفی، تمایز آن‌ها از آسیب‌های روانی برخاسته از جرم، «حمایت‌های عاطفی» به نسبت دیگر گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان کمتر مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که، حتی می‌توان آن را «قطعه گم شده حمایت‌ها» نامید.^{۳۱}

لذا در فرایند طولانی تعرضات جنسی، چه بسا ممکن است آسیب‌های روانی بر قربانیان وارد شود. آسیب‌های روانی به نارسایی‌ها و بیماری‌هایی گفته می‌شود که به دنبال گسترش درد و رنج‌های عاطفی ناشی از تعرضات جنسی پدید می‌آیند یا با رخداد این جنایت گسترش داده و حادث‌تر می‌شوند.^{۳۲} بنابراین درمان آسیب‌های روانی قربانیان در قلمرو روان پزشکی و بر عهده روان پزشکان می‌باشد. انجام درمان‌های روانی و یا حتی معالجه‌های سنتی روانی در هنگامی که ساز و کارهای عادی مقابله با پیامدهای جرم برای بزه‌دیده کفایت نمی‌کند، ضروری است. قربانیان نیاز دارند که به طریقی اطمینان خاطر مجدد پیدا کنند، نسبت به این که آن‌ها هیچ تقصیری در ارتکاب جرم علیه خود نداشته‌اند و عدالت در مورد آن‌ها حتماً اجرا خواهد شد.^{۳۳}

با توجه به این که در تعرضات جنسی، زنان و دخترانی که قربانی این جنایت شده‌اند، احساس شکست معنوی کرده و نوعاً دچار انزوا و اندوه سنگین می‌شوند، لذا شخصیت جریحه‌دار شده و روان غیرمتعادل آنان شدیداً نیازمند مساعدت و مراقبت می‌باشد که اصولاً این مراقبت‌های روانی با دو هدف انجام می‌گیرد. یکی پیشگیری از انزوا و افسردگی بزه‌دیده که می‌تواند در تکرار بزه‌دیدگی دخالت داشته باشد و دیگری جلوگیری از طغیان و اخذ انتقام از سوی بزه‌دیده.^{۳۴} برخی از بزه‌دیده‌شناسان بر ضرورت مراقبت‌های بزه‌دیدگان در زمینه عاطفی و روانی تاکید داشته و اذعان می‌دارند که در مراقبت و کمک به بزه‌دیدگان و پشتیبانی از آنان، باید نهایت احتیاط را جهت اجتناب از وارد کردن لطمه‌های بیشتر به آنان اعمال کرد. زیرا، مداخله شدید و بیش از حد ممکن است در روند طبیعی تسکین و التیام بزه‌دیده وقفه ایجاد کند.^{۳۵} به هر حال، علایم روان‌شناسی قربانیان تعرضات جنسی عمدتاً عبارتند از: ترس و نگرانی، افسردگی، انزوا، تحمل استرس‌های روحی و سایر آسیب‌های روحی ناشی از بیماری‌های جسمی یا روحی، استعمال مواد مخدر و الکل، خود زنی یا خودکشی، خود سرزنی، شرمندگی و نداشتن کنترل بر خود.^{۳۶}

۳-۱-۲. حق بهره‌مندی از حمایت اجتماعی

هنگامی که دولت (حکومت) و جامعه مدنی با تمام ظرفیت‌های خود در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی برای حمایت از بزهدیدگان گام بر می‌دارند، چهره‌ای از یک الگوی فراگیر و مطلوب حمایتی به نام «حمایت اجتماعی» به تصویر کشیده می‌شود. ریشه‌های حمایت اجتماعی از بزهدیدگان را باید در تحولات نیمه دوم سده بیستم در عرصه حقوق بشر جستجو کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر که اجرای بسیاری از مفاد آن در دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، پس از به رسمیت شناختن حق امنیت اجتماعی برای هر شخص به منزله عضوی از جامعه، به بهره‌مندی همه اشخاص از سطح مناسب زندگی به ویژه از حیث مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری تاکید می‌کند. حق امنیت اجتماعی یعنی این که جامعه باید از حقوق بنیادی اعضای آسیب پذیر خود از جمله بزهدیدگان حمایت کند.

بهره‌مندی از سطح مناسب زندگی نیز در کنار حق امنیت اجتماعی پایه‌های اصلی یک حمایت اجتماعی بزهدیده مدار را تشکیل می‌دهند. حمایت اجتماعی پیش از هر چیز از رهگذر فعالیت انجمن‌ها یا نهادهایی به دست می‌آید که یا به ابتکار خود بزهدیدگان و یا برخی نهادهای رسمی یا وزارتخانه‌ها راه اندازی می‌شوند. بزهدیدگان پاره‌ای از جرم‌های خشونت بار گاهی با راه اندازی انجمن‌های کمک به بزهدیدگان خاص، به حمایت از بزهدیدگانی می‌پردازند که پیشتر همچون آن‌ها زهر بزهدیده‌گی چنین جرم‌هایی را چشیده‌اند. این انجمن‌ها پیشتر با راه اندازی جبران خسارت یا بهره‌گیری از روان‌شناسان و روان‌کاوان متخصص، کمک‌های مالی یا عاطفی در اختیار بزهدیدگان می‌گذارند و در این جاست که الگوی فراگیر حمایت اجتماعی، حمایت‌های مالی یا عاطفی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. در این خصوص اسناد چهارگانه دیوان و به ویژه اساسنامه آن، این نوع حمایت‌ها را از نظر دور نداشته است.^{۳۷}

۳-۱-۳. حق برخورداری از مراقبت‌های پزشکی و مددکاری

تامین نیازهای پزشکی و درمانی قربانیان تعرضات جنسی به لحاظ فوریت داشتن، بر

نیازهای دیگر آن‌ها ارجحیت دارد. اصول عالی اخلاقی و انسانی اقتضاء می‌نماید که نیازهای پزشکی قربانی، صرف نظر از بزه‌دیده بودن جرم در اسرع وقت بر طرف گردد. در فرایند تعرضات جنسی، برخی از بزه‌دیدگان ممکن است آسیب جسمی و عاطفی یا حیثیتی دیده باشند، برای چنین بزه‌دیدگانی، درمان پزشکی یا روانی ضروری‌ترین گونه حمایت از بزه‌دیدگان تلقی می‌شود.

این حمایت علاوه بر درمان‌های اورژانسی، درمان‌های عمومی و عادی را هم شامل می‌شود. در چنین مواقعی، پزشک، روان‌پزشک معالج یا روانشناس در جهت مساعدت به اجرای عدالت و هم‌چنین یاری رساندن به قربانیان، علاوه بر صدور گواهی پزشکی برای پیگیری‌های قضایی، بایستی ما وقع را به مراجع ذیصلاح هم اعلام نمایند. چرا که یکی از گروه‌هایی که در شناسایی پیشگیرانه قربانیان تعرضات جنسی به نظام عدالت کیفری کمک می‌نماید، اطباء و سایر پرسنل پزشکی و مددکاری می‌باشند. کارمندان و کارکنان بخش بهداشت و سلامت باید آماده باشند تا اطلاعاتی که از مشتریان به دست آوردند به سازمان‌هایی که به آن‌ها می‌توانند کمک کنند ارجاع دهند.

در این میان، آزمایش اختیاری و داوطلبانه و مشاوره برای ایدز، یک خدمت و سرویس مفیدی برای قربانیان تعرضات جنسی است. وانگهی تمام آزمایش‌ها باید با مشاوره قبل از تست و بعد از تست توأم باشد و برای افرادی که نتیجه آزمایش آن‌ها مثبت اعلام می‌گردد، هیچ نوع محکومیتی نباید دربر داشته باشد. افزون بر این، مراکز پزشکی باید ترتیبی بدهند تا تعداد زیادی مترجم جهت برقراری ارتباط با بزه‌دیدگان در زمینه ارایه اطلاعات و آزمایش‌های پزشکی به آن‌ها وجود داشته باشد و کارکنان بیمارستان از جمله پزشکان،

پرستاران، کارکنان پذیرش و غیره بایستی با همه قربانیان با وقار و احترام رفتار نمایند.^{۳۸}

چرا که اغلب قربانیان هنگام ورود به مراکز پزشکی و روانی نگران و مضطرب هستند؛ از این رو رفتار احترام‌آمیز و توأم با حساسیت و توجه نسبت به شرایط جسمی و روانی بزه‌دیدگان می‌تواند به فرایند کلی التیام بخشی جسمی و روانی آن‌ها کمک کند. افزون بر این، در برخی دولت‌ها دوره استراحت فراهم می‌شود تا در این زمان قربانیان آزمایش‌های پزشکی و درمان‌های اضطراری را دریافت نمایند. سازمان عفو بین‌المللی معتقد است که زن

بازداشت شده‌ای که مدعی است به او تجاوز شده یا مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته است، باید سریعاً از آزمایش‌های پزشکی (ترجیحاً توسط پزشک زن) برخوردار شود.^{۳۹}

مرتکبان تعرضات جنسی برای نیل به مقاصد پلید خود و در جهت وابستگی آن‌ها به خود، ممکن است حتی قربانیان را به مصرف انواع مواد مخدر هم معتاد نمایند و لذا در چنین مواقعی سیاست حمایتی از بزهدیدگان ایجاب می‌کند تا با به کارگیری روش‌های معمول در پزشکی، نسبت به بازپروری، پاکسازی و درمان قربانیان معتاد هم اقدام شود. ناگفته نماند که حمایت مالی از بزهدیدگان این جنایت بایستی دربردارنده تمام هزینه‌های درمانی و پزشکی نیز باشد. پژوهش دبیرکل سازمان ملل در باب موضوع خشونت علیه زنان هم مبین این امر است که افسردگی، از رایج‌ترین نتایج خشونت جسمی و جنسی علیه زنان است که در فرایند تعرضات جنسی اتفاق می‌افتد. این زنان بیش از سایرین به افراط در مصرف الکل، مواد مخدر، اختلال در عملکرد جنسی، اقدام به خودکشی، اضطراب پس از بحران و بحران نظام اعصاب مرکزی دچار می‌شوند.^{۴۰} به همین خاطر بایستی اذعان داشت که حمایت از قربانیان تعرضات جنسی به مدت محاکمه محدود نشده و کشورها موظف هستند این افراد را که اغلب در وضعیت بد روحی و جسمی قرار دارند، بنا به نیاز تحت مراقبت‌های مددکاری اجتماعی یا پزشکی قرار داده و در صورت لزوم از سازمان‌های غیر دولتی و خیریه در این راه کمک گیرند و تدابیری را اتخاذ نمایند تا همه قربانیان به امکانات بهداشتی از جمله مراقبت‌های فیزیکی، حمایت‌های روانی و مشاوره‌ها و آزمایش‌های داوطلبانه در خصوص ایدز دسترسی داشته باشند. البته این قبیل خدمات و از جمله آزمایش برای تشخیص بیماری ایدز نبایستی برای قربانیان الزامی باشد. اکثر زنان قربانی تعرضات جنسی، چون به اجبار به روسپی‌گری کشیده می‌شوند و در مورد تماس با افراد از خود اختیاری ندارند، بنابراین احتمال آلوده شدن آنان به ویروس ایدز به مراتب بیشتر از زنان هرزه‌ای است که به اختیار خود به روسپی‌گری روی می‌آورند.^{۴۱}

در مواد ۱۷-۱۴ اعلامیه سازمان ملل متحد تحت عنوان اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، به ضرورت کمک‌های دارویی و روانی به بزهدیدگان اشاره شده است^{۴۲} به هر حال شایسته است مراکز پزشکی و درمانی و واحدهای

مشاوره و راهنمایی برای قربانیان تعرضات جنسی، چه در قالب رسمی و دولتی و چه به شکل مردمی، تشکیل و به صورت علمی پاسخگویی این نیاز بزه‌دیدگان باشند. و در واقع می‌توان گفت که ایجاد موسسات رفاه اجتماعی، تعاون عمومی و موسساتی که پاسخگویی بحران‌های اقتصادی، بحران‌های خاص روحی و دیگر نیازهای بزه‌دیدگان است^{۴۳} می‌توانند به عنوان راهکارهایی برای برطرف کردن نیازهای بزه‌دیده‌گان در طولانی مدت در نظر گرفته شوند.^{۴۴} نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، توجه به نیازهای فوری و کوتاه مدت بزه‌دیدگان است که بیشتر شامل حمایت‌های پزشکی و روان پزشکی می‌باشد، ولی متأسفانه در اغلب اوقات به دلیل طولانی بودن فرآیندهای رسیدگی قضایی مجامع بین‌المللی به این اهم توجه نمی‌گردد و موجب ایجاد تنش میان نیازهای کوتاه مدت و بلند مدت بزه‌دیدگان می‌گردد.

۳-۲. شیوه‌های جبران خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی

جبران خسارت بزه‌دیدگان جنایات جنگی، به طور سنتی وابسته به مداخله دولت‌های متبوع آن‌ها به منظور مذاکره و دریافت احتمال غرامت بوده است. بدین سان، در گذشته این امکان برای بزه‌دیدگان وجود نداشته است که بدون پشتیبانی دولت بتواند از جبران خسارت بهره‌مند گردند. با تصویب اعلامیه «اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سو استفاده از قدرت» در سال ۱۹۸۵ و به موجب بند ۸ از بخش (الف) آن، جبران خسارت از بزه‌دیده حق شخصی وی انگاشته شد و بدین ترتیب، بزه‌دیدگان دیگر برای اعمال این حق نیازی به مداخله کشور متبوعشان ندارند.

با تاکید و تمرکز سازمان‌های غیر دولتی بر جبران خسارت از قربانیان در جریان مباحثات ناظر بر پیش‌نویس مقدماتی اساسنامه رم در کمیته مقدماتی مجمع عمومی، این موضوع به سرعت به یکی از مسایل مهم تحت بررسی تبدیل شد.^{۴۵} در همین راستا، مخالفت‌هایی مبنی بر عدم توانایی دیوان در پرداخت خسارت به قربانیان و نگرانی‌هایی در مورد تخصیص منابع مالی تامین‌کننده ابراز گردید. به باور برخی از حقوق‌دانان، مفهوم جبران خسارت بین‌المللی، مفهومی فریبنده و گمراه کننده است. زیرا در عمل تحقق آن با موانع بسیاری روبروست.^{۴۶}

در تایید این عقیده، چنین استدلال می‌شود که هزینه جبران خسارت ناشی از جنایت‌های بین‌المللی بسیار بالاست و دیوان از عهده آن بر نمی‌آید. افزون بر آن، در صورتی که دیوان از لحاظ تامین اعتبارات لازم مشکلی نداشته باشد نیز جبران خسارت از همه بزه‌دیدگان به معنای واقعی محقق نخواهد شد. بسیاری از آسیب‌های برآمده از جنایت‌های بین‌المللی، غیرقابل جبران و تغییر ناپذیرند. برای نمونه، درد و رنج عاطفی ناشی از تجربه بزه‌دیدگی در مواردی نظیر نسل‌زدایی، با هیچ درمانی بهبود نخواهد یافت.^{۴۷}

ادعای این گروه مبنی بر عملی نبودن جبران خسارت از تمامی بزه‌دیدگان صحیح است، اما این واقعیت نباید مانع به رسمیت شناختن این حق در عدالت جنایی بین‌المللی گردد. جبران خسارت از قربانیان به معنای واقعی آن، با توجه به محدودیت‌های منابع مالی دیوان، شمار بسیار زیاد بزه‌دیدگان و وسعت و عمق آسیب‌ها امکان‌پذیر نیست، اما این امر نباید مانعی برای هم‌نوا نمودن دولت‌ها به منظور تلاش در مسیر یاری رساندن به این گروه آسیب‌پذیر شود. جبران همه آسیب‌ها ممکن نیست، اما شماری از صدمه‌ها را می‌توان ترمیم نمود. از این رو، می‌بایست تا حد امکان در این راه تلاش کرد تا همه بزه‌دیدگان به فراموشی سپرده نشوند. در نهایت، صرف نظر از مخالفت‌های به عمل آمده، حق بزه‌دیدگان مبنی بر دریافت خسارت در ماده ۷۵ اساسنامه به رسمیت شناخته شد. جبران خسارت بزه‌دیدگان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ که تعداد ۳۳۰ درخواست جبران خسارت دریافت کرده‌اند.^{۴۸}

همان گونه که ماده ۹۴ آیین دادرسی و ادله مقرر داشته است، بزه‌دیدگان به منظور برخورداری از جبران خسارت، ملزم به ارائه درخواست کتبی هستند. دیوان پس از بررسی دقیق درخواست‌ها، در مورد جبران خسارت تصمیم‌گیری می‌نماید. احکام و دستورات دیوان در ارتباط با جبران خسارت، می‌بایست تا حد امکان عملی، روشن و دقیق باشد تا اجرای آن‌ها توسط نهادهای دیوان، دادگاه‌های ملی یا سایر نهادهای مربوط در دولت‌های عضو، امکان‌پذیر شود.^{۴۹} به موجب بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند قراری مبنی بر جبران خسارت بزه‌دیدگان، با تعیین نحوه مناسب جبران، به طور مستقیم علیه محکوم صادر نماید. در صورت اقتضاء، دیوان می‌تواند دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی بزه‌دیدگان انجام شود. بدین منظور، براساس

گزارشی که در کنفرانس بازنگری اساسنامه رم ارایه شد، مبلغ یک میلیون یورو از کمک‌های گردآوری شده در صندوق امانی برای احکام آتی دیوان مبنی بر پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان و جبران خسارت از آنان ذخیره شده است.^{۵۰}

بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت که دیوان جبران خسارت را به صورت کلی در نظر گرفته و از منظر مقررات پیش‌بینی شده در اسناد دیوان، سه نوع جبران برای بزه‌دیدگان شناسایی شده که عبارتند از:

۱. ترمیم؛ به معنای بازسازی وضعیتی است که پیش از وقوع جنایت‌های بین‌المللی وجود داشته است^{۵۱} مواردی نظیر آزادی، حقوق قانونی، جایگاه اجتماعی، زندگی خانوادگی، تابعیت، بازگشت به محل اقامت خود، بازگشت به شغل و حرفه پیشین و استرداد اموال، در گستره ترمیم جای می‌گیرند. ترمیم باید به شیوه‌ای صورت پذیرد که تا حد امکان بزه‌دیده را به حالت اولیه پیش از بزه‌دیدگی باز گرداند.

۲. غرامت؛ ناظر بر ترمیم مالی آسیب‌های برآمده از جنایت‌های بین‌المللی است.^{۵۲} هزینه مالی مربوط به صدمه‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی، فقدان فرصت‌ها از جمله آموزش، از دست دادن درآمد، مشاوره‌های حقوقی و خدمات درمانی در این دسته جای دارند. در سال ۲۰۱۱ صندوق دیوان کیفری بین‌المللی و جبهی برای بازماندگان قربانیان جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت در جمهوری آفریقای مرکزی برای ارائه توانبخشی جسمی و روانی و حمایت‌های مادی پرداخت نمود.^{۵۳}

۳. توان بخشی و بازپروری؛ شامل خدمات رسانی در زمینه‌های پزشکی، روان پزشکی، حقوقی و اجتماعی است.^{۵۴} که در زمینه‌های پزشکی باید کمک رسانی به موقع صورت گیرد برای مثال مراقبت در عرض ۷۲ ساعت به منظور کاهش خطر ابتلا به عفونت^{۵۵} که به عنوان نیازهای فوری و کوتاه مدت می‌باشد.

دستاورد

بیشتر مکانیسم‌های حمایتی موجود در خصوص جنایات جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص ضمانت اجراها همچنان در حال توسعه هستند و پیشرفته‌ترین نمونه آن‌ها را می‌توان در دیوان‌های بین‌المللی اختصاصی مانند یوگسلاوی سابق، روندا به عنوان دادگاه‌های موقت و دیوان کیفری بین‌المللی نام برد.

بنابراین اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات جنسی را می‌توان به عنوان یک موفقیت برای جامعه جهانی به شمار آورد. جبران خسارت از بزه‌دیدگان که برای نخستین بار در تاریخ عدالت جنایی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، از ویژگی‌های منحصر به فرد دیوان به شمار می‌آید. البته مفهوم جبران خسارت بین‌المللی مفهومی فریبنده و گمراه‌کننده است. چرا که در عمل، تحقق آن با موانع بسیاری روبه‌رو است.

اما عملکرد دادگاه‌های ویژه بین‌المللی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از متهمان در ادعای فقر، عسر و حرج و حتی ادعای عدم امکان پرداخت هزینه‌های دفاع نیز موفق بوده‌اند. بنابراین انتظار توانایی تعیین و توقیف اموال اساسی زندانیان دیوان جدید ممکن است امری غیر واقعی و خیالی به نظر برسد. بنابراین در این راستا می‌توان گفت که جامعه باید از حقوق بنیادی اعضای آسیب‌پذیر خود از جمله بزه‌دیدگان حمایت کند و با ایجاد مکان‌هایی و با بهره‌گیری از روان‌شناسان و روان‌کاوان متخصص، کمک‌های مالی، عاطفی و پزشکی در اختیار بزه‌دیدگان قرار دهد و از طریق افزایش آگاهی عمومی و بسیج مردم و با ایجاد گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردمی زنان در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت کمک به بزه‌دیدگان در جهت بازسازی روند زندگی‌شان گام بردارد.

References

1. Nader Akhri Bonab, 2009, "The Crime of Sexual Violence in the Statute of the International Criminal Court", Islamic Law Magazine, Vol. 13, p. 192.
2. Anne Brouwer, 2015, "The Importance of Understanding Sexual Violence in Conflict for Investigation and Prosecution Purposes", Cornell International Law Journal, No. 48, p. 640.
3. Mohammad, Assyria, 1997, Criminal Justice, Tehran: Ganj Danesh, p. 3.
4. J. Denli, 2001, Human Rights Theories under the Religious View of Human Rights (Theories and Procedures), Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, p. 74.
5. Martin Dixon, 2017, An Introduction to International Law, Translators: Mehdi Zakerian and Hasan Saeed Kalahi, Tehran: Khorsandi Publishing House, p. 26.
6. Mehdi Fallah, 2009, "Compensation of Victims at the International Criminal Court", Journal of Crime Prevention Studies, 12, p. 117.
7. Ibid, p.119.
8. Statute of the International Criminal Court, Article 75.
9. Statute of the International Criminal Court, Article 75 (4) and (5).
10. Mark Ellis, 2007, "Breaking the Silence: Rape as an International Crime", Case Western Reserve Journal of International Law, No. 38, p. 243.
11. Amir Pak Nahad, 2013, "Legal-Criminal Analysis of Sexual Harassment," Criminal Law Research Journal, No. 2, p. 18.
12. Mehdi Zakarian, 2014, International Criminal Courts, Tehran: Tisa Publishing, Electronic Version, p. 512.
13. Jamal Beigi, 2009, Child Victimization in Iran law, Tehran: Mizan Publication, p.p. 254-253.
14. Mostafa Elsan, 2006, "Criminology of Sexual Violence Against Women", Journal of Social Welfare, Vol. 21, p. 156.
15. Cour Pénal International, Protection des Victims et des témoins. See: <http://www.icc-cpi.int/victims issues/witness protection.html>
16. Cour Pénal International,Victims et des Témoins, See: <http://www.icc-cpi.int/victims issues.html>

17. Cour Pénal International, les Protection en Faveur des Victims .See:
[http://www.icc-cpi.int/victims issues/victimsreparation.html](http://www.icc-cpi.int/victims%20issues/victimsreparation.html)
18. William Schabas, 2010, "An Introduction to the Criminal Court", Cambridge University Press, first published, p. 879.
19. Salvatore Zappala, 2005, Human Right in International Criminal Proceedings Oxford Monographs in International Law, Oxford University Press, p. 228.
20. Op. cit, p. 881.
21. William Schabas, 2010, "An Introduction to the Criminal Court", Cambridge University Press, First Published, p.p. 881- 882.
22. Salvator Zappala, 2005, Human Right in International Criminal Proceedings Oxford Monographs in International Law, Oxford University Press, p. 228.
23. Leila Asadi, 2009, "Crime Compensation in International Criminal Proceedings", Judge Law Magazine, No. 68, p. 75.
24. Op. cit, p. 228.
25. Leila Asadi, 2009, "Crime Compensation in International Criminal Proceedings", Judge Law Magazine, No. 68, p. 77.
26. Ibid, p.78.
27. Sam Garkawe, 2003, "Victims and the International Criminal Court; Three Major Issues". International Law Review 4, p. 349.
28. Karlsson, Karen, Jay, Terazipozin and Isenathat Stefani, 2000, Mental Health of Women, Translation: Khadija Abol-Nahali and others, Tehran: Savalan Publishing, p. 135.
29. Ahmad Haji Deh Abadi, Mohammad Ali Haji Deh Abadi, and Mohammad Yusefi, 2013, "Examining the Basis of Harm in Rape Crimes with an Approach to Imamie Jurisprudence", Criminal Law Research Journal, No. 2, p. 44.
30. Hassan Anvari, 2003, Compact Culture of Speech, Tehran: Sokhan Publication, p. 156.
31. Mehrdad Rajejian Main, 2005, Advocacy Victim, Tehran: Judges Publishing, p. 87.
32. Jamal Beigi, 2011, "United Nations and Iran's Criminal Policy Against Trafficking in Persons" Ph.D.: Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, p. 274.

33. Roger Frekham, 2005, The Role of the Victim in Restorative Justice: Has Restoration Justice been Beneficial to the Victim? Martin Wright, Tony Marshall, Michael Mayes, and Others. Reconcile justice "Promoting the Axial Victimist Approach", Proceedings, Translation: Amir Samavati Pirouz, Tehran: Khalilian Publications, p. 62.
34. Mahdi Motamedi Mehr, 2001, Protecting Women Against Violence "The Criminal Policy of England", Tehran: Publishing of Obih Bazaar, p. 72.
35. Ezzat Abdolfattah, 1992, from the policy of combating goat-trafficking to the policy of defending the perpetrators, translated by Ali Hossein Najafi-e-Abbasi and Sassan Qagat-e-Qing, Judicial and Legal Magazine of the Judiciary, No. 3, p. 100.
36. Jamal Beigi, 2011, "United Nations and Iran's Criminal Policy Against Trafficking in Persons", Ph.D.: Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, p. 276.
37. Mehdi Fallah, 2009, "Compensation of Victims at the International Criminal Court", Journal of Crime Prevention Studies, No. 12, pp. 127-126.
38. M Orhant, 2002, Trafficking in Persons, Reproductive Health and Rights- Reaching the Hardly Reached. Available at: <http://www.path.org/files/RHR-Article-1.pdf>, p.p.4-5.
39. Ebrahim Rajabi, 2009, Police and Citizenship Rights, Tehran: Police Science Publishing, p. 129.
40. Zahra Sediq, 2009, Violence Against Women, Shapes, Outcomes and Costs, A Survey on Special reports of the Bureau of International Affairs of Women, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, p. 194.
41. Jamal Beigi, 2011, "United Nations and Iran's Criminal Policy Against Trafficking in Persons", Ph.D.: Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, p. 278.
42. Ibid, p.p.278- 279.
43. Mahmoud Jalali and Zeinab Sadat Mousavi, 2016, "The Globalization of Terrorism and Solutions for Effective Protection from Its Victims," Criminal Law Research Journal, No. 1, p. 77.

- ۴۴، اعلائی، مصطفی، ۱۳۹۵، «ماهیت تعهدات تابعان حقوق بین‌الملل نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۲، شماره ۴، بهار، ص ۷۵.
- ۴۵، P Fischer, 2003, "The Victims Trust Fund of the International Criminal Court; Formation of A Function Reparations Scheme ", EMORY International Law Review 17, p.p. 195- 196.
46. William Shabas, 2005, Introduction to the International Criminal Court, Interpreter: Bagher Mirbasi and Hamid Alhoei Nazari, Tehran: Jungle Publications, p. 194.
47. Jamal Beigi, 2017, "Criminalization of Human Trafficking upon the Basis of International Criminal Court Status and its Related Challenges", International Studies Journal (ISJ), Vol. 14, No. 2, Fall, p. 38.
- 48, International Criminal Court, 2010, (RC/ST/V/INF.3), Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet, p. 1.
- ۴۹، Aejung Kim, Ibrahim Motaghi, 2017, "The Politics of Apology: Comfort Women within the Context of Regional Complexities", International Studies Journal (ISJ), Vol. 13, No. 4, Spring, p. 5.
50. International Criminal Court, Op.Cit., p.4.
51. Jo-Anne Wemmers, 2006, "Reparation and the International Criminal Court; Meeting the needs of Victims", Report of the workshop held January, p. 30.
42. Alireza Dehim, 2001, Income on International Criminal Law: In the light of the Statute of the International Criminal Court, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, p. 83.
۵۳. International Criminal Court, ۲۰۱۰ , (RC/ST/V/INF.3), Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet.
۵۴. Jo-Anne Wemmers, ۲۰۰۶ , "Reparation and the International Criminal Court; Meeting the Needs of Victims", (Report of the workshop held January, p. 30.
55. International Committee of the Red Cross, 2015, Prevention and Criminal Repression of Rape and Other Forms of Sexual Violence during Armed Conflicts, P. 4.